

# حماسه‌ای وارسته از

## خشونت‌های عریان و پنهان

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمجید معادیخواه

پژوهشگر دین و تاریخ

مقالات ۲

### عاشورا، در ترازوی مقایسه

با نیم‌نگاهی به سرزمین‌های حجاز، یمن و عراق - و حتی شام بزرگ، پیش و پس از عاشورا - جای هیچ تردیدی نمی‌ماند که: حماسه عاشورا «متن پررمز و رازی» در تاریخ اسلام است. چنانکه رمزگشایی از این «متن» کار آسانی نیست. چه بسیار خیزش‌هایی که در منابع تاریخ - با کشته‌های فراوان - به نام خوارج و دیگر مخالفان ثبت است و هرگاه با این حماسه به ترازوی مقایسه سپرده



در این واقعیت تردیدی نیست که: مردمی که در نظام سلطه زیسته‌اند و از زورگویی و خشونت فرعون‌های تاریخ رنج برده‌اند، خود نیز به بیماری پرخاشگری با خشونتی پنهان دچار می‌شوند.

شود، به روشنی می‌بینیم: حماسه عاشورا با هیچ‌یک از این جنبش‌ها هم‌گوهر نیست و بر راز جاودانگی‌اش نمی‌توان چشم فروبست! راز جاودانگی و تأثیر فراگیر عاشورا بر جهان اسلام در ویژگی‌های این حماسه نهفته است.

چه شد که در پی شهادت ریحانه نبوی و عزیزان و یارانش - با کمتر از یک سال فاصله! - سراسر جهان اسلام زادگاه جنبش‌هایی شده که در آن همه این حماسه چونان آتشفشانی نقش آفرید؟

در این فرصت و در این مراسم سوگواری حسینی - در شهر تاریخی اصفهان - می‌خواهم به یکی از این ویژگی‌ها اشاره کنم و رازی را - برای شما - به نمایش بگذارم که تاکنون ندیده‌ام، در آثار ارباب عاشوراسرایی و مدعیان عاشوراشناسی، از آن یاد شده باشد.

### وضع موجود تاریخ‌نگاری

در این تنگنا نمی‌توان کاستی‌های تاریخ‌نگاری در وضع موجود را یادآور شد. ناگزیر به همین اشاره بسنده می‌کنم که: به هر روی تا امروز «روش‌شناسی» را در تاریخ‌پژوهی، جدی نگرفته‌ایم و در مقایسه با دیگرانی که - روا یا ناروا - از آنان بد می‌گوییم، سربلند نیستیم.

نه هنر عاشوراسرایی دارم، نه دانش عاشوراشناسی، اما در این واقعیت تردیدی ندارم که: «وضع موجود تاریخ‌نگاری» در این شهر آشوب پرهیاهو غم‌انگیز است.

بر این باورم که برای آسیب‌شناسی و بسامان کردن و درمان این درد، نسخه‌هایی که با ساده‌انگاری و خیال‌پردازی بیچیده می‌شود، نه تنها از کار فروبسته تاریخ‌نگاری گرهی نمی‌گشاید، که بسا «قوزی بالای قوز» است که چونان مخدر، چند روزی دل‌هایی

را خوش می‌کند و به‌زودی معلوم می‌شود که کاری بایسته نکرده‌ایم. اینک ناگزیر یکی از ویژگی‌های حماسه عاشورا را با اندیشه در نیم‌سطری از گفتاری حسینی یادآور می‌شوم.<sup>۱</sup>

بسیار شنیده‌ایم که سرور شهیدان کربلا همزمان با بدرود با شهر پیامبر<sup>(ص)</sup> - یا حریم کعبه - فرمود: «إني ما خرجت أشراً ولا بطراً ولكن خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي! یعنی: انگیزه‌ام در این برون‌رفت، نه شرارت است نه بدمستی، اما آنچه مرا به برون‌رفت - از این نظام اموی - برانگیخته، اصلاح‌طلبی است؛ در امت جد بزرگوام.

### دو واژه اساسی از متون زور و سلطه

نمی‌خواهم شما را با شرح نکته‌هایی ادبی در این سخن کوتاه خسته کنم؛ چنانکه جای پرسشی درباره این بازگردان فارسی نماند.

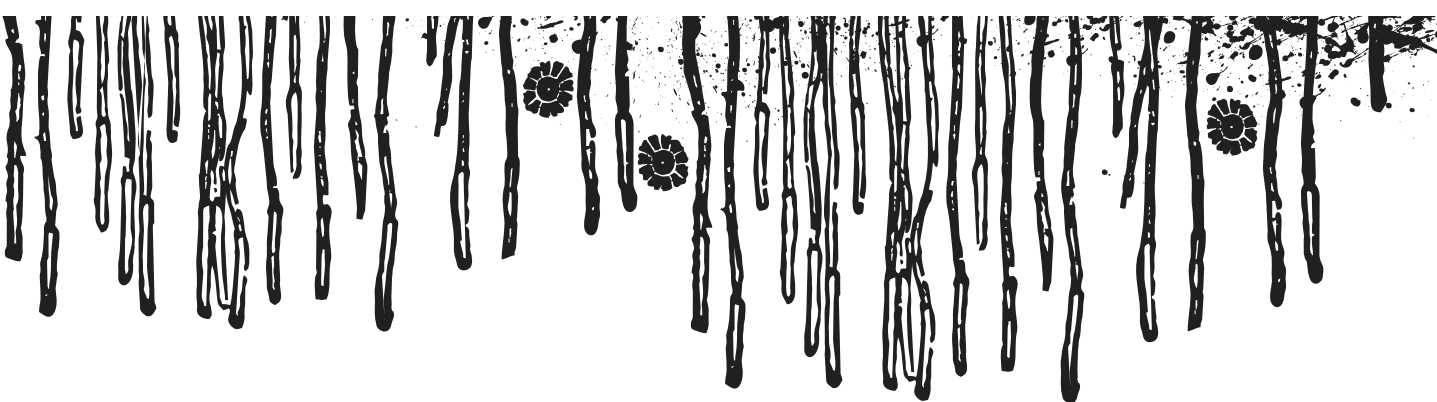
اما آنچه را ناگزیر باید در میان گذاشت، مفهوم دو واژه اساسی است: ۱. بطر، ۲. اشر.

این دو واژه اساسی را در قرآن کریم کاربردی ست چنانکه: با اندیشه در آیه‌هایی که در آن کاربرد «بطر» و «کذاب اشر» چشمگیر است، می‌توان گفت؛

### خشونت عریان و پنهان

امام<sup>(ع)</sup> در آن سخن کوتاه خود به دو گونه خشونت و زورمداری اشاره کرده‌اند: ۱- خشونت عریان سلطه‌گران، ۲- خشونت پنهان سلطه‌پذیران.

۱. چه غم‌انگیز است که: آنچه از سخن‌های آن ریحانه نبوی به یادگار مانده است، چنان اندک‌شمار است که خود معمای دیگری است و شرح آن در این تنگنا نمی‌گنجد.





در فرودستانی که در سرزمین مصر لگدکوب سیاست‌های فرعونى بودند، نشان روشنى است از خشونتى پنهان؛ چنانکه با اندیشه در آن، خشونت و زورمدارى عريان فرعونى را در پيوندى با خشونتى پنهان در قشر فرودستى مى بينيم که خود قربانى زورمدارى و خشونت بودند.

شايد بتوان در پاسخ گفت: آنچه توجه خردپذيرى براى چنين عنايت ويژه‌اى است، ويژگى تاريخ يهود - در پيوندى با اصلاحات مسيح<sup>(ع)</sup> - است؛ به‌عنوان حلقه پايانى در اين زنجيره، چرا که برآيند تجربه‌ها را - در ديگر حلقه‌ها - مى‌توان در حلقه آخرديد.

بيش از اين در شرح چنين فرضيه‌اى شما را خسته نمى‌کنم؛ تا آيه‌هاى را در سوره قصص يادآور شوم. قرآن - در اين سوره - در پى يادى از روزگار کودکى موسى<sup>(ع)</sup> که با تقدير الهى - و بازى سرنوشت - زندانى کاخ فرعون و تشريفات دربارى شده بود، از روزى - با اشاره - ياد کرده است که: براى نخستين بار موسى به شهر در آمد و تماشاگر درد و رنج مردمى شد که از سلطه و خشونت فرعونى رنج مى‌بردند. بر اين پايه او به شکل غافلگيرکننده‌اى به آن شهر در آمد؛ چنانکه دو مرد را - در شهر - ديد که درگير کارزارى خونين بودند؛ يکى از پيروانش و آن ديگرى از دشمنان او.

چنين بود که: آن کس که از پيروانش بود، موسى را بر آن ديگرى که در شمار دشمنان موسى بود به کمک مى‌طلبيد. پس موسى با مشتى آن دشمن را فرو گرفت؛ چنانکه بر زندگى اش نقطه پايانى گذاشت. با خود گفت: اين خشونت، رفتارى شيطانى است، همانا او دشمنى است گمراه‌گر و رسوا و [در نيابى هم با پروردگار خود] گفت: پروردگارا! به پاس آنچه مرا وامدار آن کرده‌اى، هرگز پشتيبان چنين ستم‌پيشه‌هاى نخواهم بود.

بر اين پايه موسى دستخوش دغدغه‌اى شد؛ چنانکه همزمان که او با هراس چشم به راه رخدادهاى آينده بود، ناگهان همان فردى که ديروز از او يارى خواسته بود، امروز هم با آه و فغان او را به يارى فرا مى‌خواند. موسى به او گفت: تو

يا به تعبيرى ديگر: ۱. زورمدارى شهرياران، ۲. زورمدارى شهروندان.

خردپذيرتر آنکه: به جاى خسته کردن شما با شرح چنين بازگردانى از آن سخن خاطره‌انگيز، به نکته‌اى مهم اشاره کنم. چه برداشت اين قلم‌دار در بازگردان فارسى «بَطْر» و «أَشْر» به زورمدارى فرادستان و فرودستان درست باشد يا مناقشه‌پذير، اما در اين واقعيت ترديدى نيست که: مردمى که در نظام سلطه زيسته‌اند و از زورگويى و خشونت فرعون‌هاى تاريخ رنج برده‌اند، خود نيز به بيمارى پرخاشگرى با خشونتى پنهان دچار مى‌شوند.

### گواه اين حقيقت در قرآن کریم

در قرآن به فراوانى آيه‌هاى را مى‌بينيم که در آن همه از تجربه‌هاى در تاريخ پرفراز و فرود يهود سخن رفته است. در فزون بر يکصد آيه در سوره بقره و نيز در سوره اعراف و در بخش عمده‌اى از سوره طه، عنايت قرآن به شرح سرگذشت و سرنوشت يهود چشمگير است! اما در اين فرصت مى‌خواهم: نکته‌اى را - در اين زمينه - در سوره‌اى ديگر يادآور شوم؛ چنانکه بر اين پايه به روشنى مى‌بينيم: در فرودستى که در سرزمين مصر لگدکوب سياست‌هاى فرعونى بودند، نشان روشنى است از خشونتى پنهان؛ چنانکه با اندیشه در آن، خشونت و زورمدارى عريان فرعونى را در پيوندى با خشونتى پنهان در قشر فرودستى مى‌بينيم که خود قربانى زورمدارى و خشونت بودند.

### پاسخ به پرسش مخاطب

اگر بيرسيد: چرا قرآن بيش از ديگر حلقه‌ها در زنجيره تاريخ ادبان و پيامبران به سرگذشت و سرنوشت يهود اهتمام دارد؟؛





به دست افرادی وابسته به انجمن‌های مشروطه‌خواه آشنا هستیم، هر چند در تاریخ‌نگاری مشروطه - به شرحی که در این تنگنا نمی‌گنجد - قلم در دست سینه‌چاک‌های دو آتشه مشروطه‌خواه بوده و بیشتر مشروطه‌سرایان کرده‌اند.

با این توضیح باید جنبش عاشورا را بازخوانی کنیم؛ با اندیشه در صحنه‌هایی که می‌بینیم: چگونه سرور شهیدان کربلا از هرچه بر آن رنگی از زورمداری بود، وارسته است؟ او چه هزینه گرانی با پایبندی به پرهیز از جنگ افروزی، پرداخته است؟

همان روز که سپاهی به فرماندهی حُزبن یزید ریاحی بر سر راه او قرار گرفت، آیا زهیر نگفت: امروز درگیری با اینان، آسان‌تر از فردا و فرداهایی است که پی در پی بر انبوه لشکر افزوده شود؟ امام<sup>(ع)</sup> در پاسخ چه گفت؟ آیا صوابدید زهیر را نادرست می‌دانست؟ نه!

او می‌گفت: نمی‌خواهم نخستین کسی باشم که تیغ و تیر به نمایش می‌گذارم.

از شما می‌خواهم: خود دفتر عاشورا را با چنین نگاهی ورق بزنید و نمونه‌های بیش و بیشتری از چنین وارستگی را بازخوانی کنید.

### تبار عاشورا

تبار جنبش عاشورا در صفحه‌ها و صحنه‌های درخشان دیگری - با همین ویژگی - در عصر بعثت و عصر اصلاحات علوی است. دریغا دریغ! که کمتر چشمی با این نگاه تاریخ را به تماشا می‌ایستد. چه، پس از رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> - و با انزوای آشناترین فرزندان بعثت - این قرائت معطوف به قدرت بود که در شکل‌گیری گفتمانی نقش آفرید که: کیش مهر را با نام دین شمشیر زبازند کرد. به سخن امام علی<sup>(ع)</sup>: اسلام در بستر خشونت افتاد و...

عاشورا، سکه‌ای دورویه است: در یک رویه‌اش اوج همان خشونت را می‌بینیم که: بسط پیامبر رحمت را سر بریدند و همزمان با بر نیزه کردن آن سر، شعار تکبیر را فریاد کردند! و همزمان در آن دیگر روی این سکه حماسه‌ای است وارسته از هر خشونت عربان و پنهان. چه، نیازمندیم امروز به بازخوانی عاشورا با این نگاه؛ تا بتوان با پیام این حماسه به پدیده‌هایی دورباش گفت که با قرائت خشونت‌نگی بر ننگ‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس می‌افزایند!

ماجرای جویی هستی که مرا به بیراهه می‌کشانی. با این همه، همین که موسی بر آن شد که به آن دشمن مشترک یورش برد، او گفت: ای موسی! آیا برآنی که امروز خون مرا بریزی، چنانکه دیروز دیگری را کشتی؟ تو را خواستگاهی جز این نیست که در این سرزمین زورمداری باشی و بر آن نیستی که به اصلاح جامعه برخیزی؟

چه نیاز به توضیح که در این گزارش یکی از فرودستان مصر را می‌بینیم که هر چند از خشونت عربان فرعونیان رنج می‌برد، خود دست کمی از فرعونیان ندارد چنانکه با اندک رنجشی از موسی چه خشونت زشتی را به نمایش گذاشت!

آیا او استثنایی در میان مصریان ستم‌دیده بود؟ یا در نگاهی دیگر: زندگی در نظام سلطه و خشونت، زمینه‌ساز ناهنجاری‌هایی در لایه‌های پنهان هر انسان لگدکوب شده در چنان نظامی است؟

### بر دیوارهای بغداد

در منابع معتبر تاریخ سخن از چنین سرنوشتی برای مردمی است که با تیغ یاران عباسیان از ستم امویان و مروانیان رهایی یافتند و دیری نگذشت که روی امویان را سفید کردند! و مردم بر دیوارهای بغداد نوشتند: یا لیت عاد لئنا جور بنی مروان! ای کاش به همان روزهای سیاه سلطه آل مروان بازگردیم!

چه فراوانند چنین تجربه‌هایی در سرنوشت مردمی که به جنبش‌هایی دل‌خوش کردند که پس از پیروزی با افسوس حسرت گذشته را خوردند! بر این باورم که رفتار یهود با موسی - پس از رهایی از سلطه و ستم فرعونی - گواه درستی نگاه دوم است.

### جنبش‌های ناکام

چون با این نگاه سرگذشت و سرنوشت جنبش‌هایی را ورق بزنیم که از چاله ستم رژیم گذشته به چاه جامعه‌هایی نابسامان و انقلاب‌زده افتادند، فرصتی است تا رمز و رازهای بسیاری را بیابیم؛ رمز و راز جنبش‌هایی که به سخن امام حسین<sup>(ع)</sup> «از بطر و اشر» وارسته نبود؛ چنانکه: چون به پیروزی رسیده‌اند، کارنامه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند که: بسا مردم به یاد روزهای گذشته آه می‌کشیدند!

کاش فرصتی بود تا سرگذشت و سرنوشت جنبش مشروطه را با چنین نگاهی ورق می‌زدیم. همه با داستان ترور اتابک

چون با این نگاه سرگذشت و سرنوشت جنبش‌هایی را ورق بزنیم که از چاله ستم رژیم گذشته به چاه جامعه‌هایی نابسامان و انقلاب‌زده افتادند، فرصتی است تا رمز و رازهای بسیاری را بیابیم؛ رمز و راز جنبش‌هایی که به سخن امام حسین<sup>(ع)</sup> «از بطر و اشر» وارسته نبود؛ چنانکه: چون به پیروزی رسیده‌اند، کارنامه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند که: بسا مردم به یاد روزهای گذشته آه می‌کشیدند!